



احیای حقوق عامه در آزادی‌های مشروع فضای مجازی

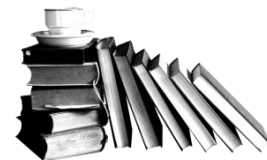
علیرضا عزیزی^۱

چکیده

اینترنت نقش مهمی در تأمین حق آزادی بیان داشته و با رفع محدودیت‌های انتشار، جستجو و دریافت اطلاعات، زمینه استفاده از این حق اساسی را فراهم کرده است. شکی نیست که توسعه و گسترش اینترنت و همچنین بهره‌مندی از این ابزار ارتباطی جدید، نیازمند یک نظام حقوقی مدون و منسجم است. نظام حقوقی مورد بحث باید بتواند آزادی این رسانه جدید را تضمین کند، از سوء استفاده احتمالی از آزادی بیان جلوگیری کند و به مردم اطمینان دهد که دسترسی و استفاده آنها از رسانه‌های اینترنتی ارزان، ایمن و پایدار خواهد بود. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع مختلف کتابخانه‌ای و متون و اسناد حقوقی انجام شده است. در نتیجه، نظارت در طبیعت باعث شفافیت می‌شود و می‌تواند از حقوق عمومی در آینده حمایت کند. اما با توجه به طرح‌های موسوم به طرح حفاظت یا مصوبه جدید مجلس مبنی بر خارج شدن شورای عالی فضای مجازی از حیطه تشریفات اداری، اختیارات کامل به این شورا داده شده است، بنابراین هیچ پاسخگویی در قبال تخلفات قانونی وجود ندارد. حق فضای مجازی برای عموم اختیارات قانونی نباید آن را بدهد که در این صورت اختیارات این شورا و نظارت بر این فضا به میزان نامحدودی گسترش می‌یابد که نقض فاحش حقوق عمومی خواهد بود.

کلمات کلیدی: حقوق عامه، آزادی‌های مشروع، فضای مجازی، رسانه‌های اینترنتی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران: Alireza.azizi.isu@gmail.com

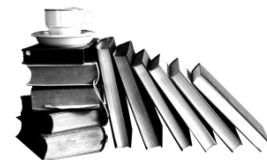


مقدمه

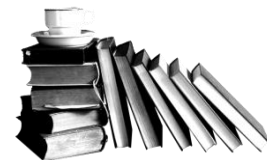
در حالی که در محیط متلاطم دنیای امروز، عوامل محیطی نقش تعیین کننده‌ای بر ساختار و رفتار سازمان‌ها دارند. در جوامع دموکراتیک و در محیط پیرامونی ساختارهای دولتی معمولاً عوامل قدرتمندی مانند رسانه‌ها، احزاب و سازمان‌های غیردولتی نقش دارند. هر چه جامعه مدنی سازمان یافته و قدرتمندتر باشد، قدرت و موقعیت آن می‌تواند به عنوان یک عامل فشار خارجی برای مدیریت تغییر در سازمان‌های دولتی مورد استفاده قرار گیرد. در پرتو این گفتمان، در عرصه همگرایی با فضای مجازی که امروزه به عنوان یک حق اکتسابی تلقی می‌شود و واکنش و انعطاف ناپذیری دولت‌ها در برابر آن، تضییع حقوق شهروندی جامعه تلقی می‌شود، ظاهری جدی داشته است. وجود فضای مجازی بدون هیچ تردیدی می‌تواند روند تحول اداری در نهادهای دولتی را کوتاه کرده و هزینه‌های آن را کاهش دهد (محسنی، قاسم زاده، ۱۳۹۱: ۶) از این رو وجود فضای مجازی و ظهور آن در عرصه اجتماعی می‌تواند دولت را در مواقع حساس و مهم مسئول بداند و شفافیت عملکردی خود را به عهده بگیرد. این مقوله زمانی ایجاد می‌شود که بتوان فضای مجازی را که شفافیت کارکردی را در بستر خود نشان می‌دهد به عنوان حقی برای جامعه تعریف کرد.

بسیاری از مردم در سراسر جهان از طریق اینترنت به دنیایی از اطلاعات دسترسی دارند، حتی در این فضا که کسب و کار خود را راه اندازی کرده و امرار معاش می‌کنند. اینترنت با تحولی که در فضای رسانه‌ای ایجاد کرده است توانسته به معنای واقعی در این زمینه موثر باشد. حتی گاهی اینترنت به عنوان آخرین امید رسانه‌های مستقل و آزاد به حساب می‌آید. نگاهی به نقش اینترنت و به ویژه شبکه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها و تحولات کشورهای عربی، کارآمدی این ابزار نوین ارتباطی را اثبات می‌کند (افشاری، پتفت، ۱۴۰۰: ۶۱).

بنابراین با این دامنه از توانایی می‌توان آن را یک حق بی بدیل در بستر حقوق عمومی در نظر گرفت. تا آنجا که در منشور حقوق شهروندی در بند «ح» حق دسترسی به فضای مجازی، ماده ۳۳ آمده است: حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است. همچنین در قانون اساسی نیز می‌توان چنین تفسیری را داشت. البته شایان ذکر است قانون اساسی اگر چه به صورت مستقیم از فضای مجازی و حق بر دسترسی به آن به عنوان یکی از حقوق عامه ذکر نکرده است. اما می‌توان با تفسیر برخی از اصول با گویشی امروزی آن را در این اساسنامه مهم واکاوی کرد. به عنوان مثال وقتی



بند ۹ اصل ۳ و ۱۴ و ۲۳ قانون اساسی، علی‌الخصوص مقدمه آن بر وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون مناسب با نیاز اشاره می‌کند. در حالی که یکی از ویژگی‌های رادیو و تلویزیون مناسب به لحاظ مقتضیات زمان حق دسترسی آزادانه با اینترنت است که به صورت ضمنی آن را تفهیم می‌کند. علاوه بر این بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را موظف بر بکارگیری رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی کرده و بند ۱۳ این اصل پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه "مانند اسنپ و دیجی کالا و امثالهم در عصر جدید ..." جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در مختلف را مقرر نموده است. پس قانونگذار در راستای حقوق شهروندی هرگونه مانع در دسترسی به این فضا بدون مجوز را غیر قانونی تلقی کرده است. اینکه فضای مجازی عرصه‌ای وسیع از حقوق مختلف شهروندان را در برگرفته و به نوعی در تمامی زوایای حقوقی افراد جای گرفته است امری مبرهن است. تاثیرگذاری فضای مجازی و اینترنت در امور فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی خانوادگی، موضوعی است که امروزه عادی بوده و حتی اینترنت اثرات بسیار گسترده‌ای در امور اقتصادی افراد، کل کشور و همچنین فضای کسب و کار اصناف، شرکت‌های خصوصی و همچنین افراد گذاشته است. با این پندار دو موضوع مهم در این عرصه وجود خواهد داشت. نخست عدم شناسایی حق داشتن و دسترسی از سوی حاکمیت برای شهروندان در این فضا، قطع جزیی و کلی آن، فیلترینگ بی مسئولانه (بدون مجوز)، همه می‌تواند از جمله موضوعاتی باشد که از منظر حقوق عمومی مانعی برای دسترسی شهروندان و عامه به حقوق خود ایجاد می‌کند. مورد دوم که در راستای حق نخست نیز می‌باشد؛ نظارت بر این فضا می‌باشد. اگر بر این فضا نظارتی قانونی و پاسخگو نباشد، چه بسا ممکن است افراد سود جو بتوانند از شهروندان اخاذی‌های اینترنتی کرده و حقوق آنها را نقض کنند. از جمله سرقت‌های سایبری، کلاهبرداری، سرقت ادبی، رفتارهای مستهجن، ولنگاری و هرزگی اینترنتی و ...، که این موارد در صورت عدم وجود نظارت می‌تواند بر پیکره جامعه و سلامت آن تأثیری منفی داشته باشد. با این حال نظارت مورد نظر باید نظارتی پاسخگو باشد. به عبارت دیگر یک اختیار بی حصر و موسع نباشد که خود دخالت در روند استفاده و بهره از این فضا شود. به هر حال به نظر می‌رسد قانونگذار با تصویب طرح خروج شورای عالی فضای مجازی (به عنوان یک نهاد مسئول و ناظر) از شمول آیین دادرسی اداری، وی را از پاسخگویی در مقابل تخلفات و نقض حقوق عامه در فضای مجازی رهانیده است. بنابراین اگر از سوی شهروندان در این زمینه شکایتی وجود داشته باشد از این نهاد ناظر که اختیاری مطلق و در حد قانونگذاری اخذ نموده نمی‌توان خرده گرفت و یا وی را به محکمه کشاند. این نوع رفتار غیر عقلانی قانونگذار، نه تنها نقض فاحش حقوق عامه است که دست‌شان از همه جا کوتاه می‌باشد، بلکه رویکردی رندانه است که تصویب طرح صیانت که به نوعی بردگی



اینترنتی شهروندان ایرانی است، در حوزه صلاحیتی این شورا قرار داده است.

به هر حال در پرتو این خوانش عدم دسترسی به فضای مجازی و یا قطع آن و یا فیلترینگ این فضا بدون مجوز قانونی می تواند از جمله مصادیقی باشد که مانع در احیای حقوق عامه است. پس این تحقیق سعی می کند در بادی امر موضوع حق بر دسترسی به فضای مجازی را مورد توجه قرار داده، به رسمیت شناختن این حق را مورد تدقیق و بررسی قرار دهد. دیگر گام، بررسی این حق در قوانین عادی و در نهایت موانع احیای آن برای عامه است که در بستری قانونی بررسی می گردد. همچنین در تحقیقات مشابهی "یوسف زاده عینی" در سال به بررسی حقوق شهروندی در رسانه و فضای مجازی و کارگری در سال ۱۳۹۹ در مقاله‌ای به حق دسترسی به اینترنت و ارتباط آن با حقوق بشر و حقوق شهروندی پرداخته است. با توجه به این مساله در این پژوهش به پاسخ سوال اصلی می‌پردازیم که احیای حقوق عامه در عرصه حقوق عمومی تا چه میزان می تواند در پرتو حق برداشتن فضای مجازی تفسیر گردد؟ و نظارت بر فضای مجازی تا چه حدی موجب احقاق حقوق عامه خواهد شد و حدود و ثغور این نظارت تا کجا است؟

مفهوم احیای حقوق عامه:

اولین اصطلاح دارای ابهام، اصطلاح اصلی «حقوق عامه» در کنار واژه «احیا» است. اگر در مفهوم «حقوق» تأمل کنیم، یکی از معانی آن که مشخصاً مدنظر قانونگذار قانون اساسی در اصل ۱۵۶ بوده است، جمع حق است. به تعبیر "هوفلدی" اگر از دوگانه حق مصونیت و حق مقاومت چشم پوشی کنیم، حقوق عبارت است از حق آزادی‌ها و حق ادعاها، حق آزادی و ... عبارت است از اینکه افراد بتوانند توانایی‌های طبیعی خود را به کار اندازند، مشروط برآنکه ضرری به دیگران نرسانند، مانند آزادی حق بیان ادعاها به آن دسته از حق‌های قانونی گفته می شود که پس از وضع قانون در مورد دو طرف یک قرارداد یا شبه قرارداد صدق می کند؛ به گونه ای که یک طرف را مستحق و طرف دیگر را مکلف می گرداند (افشاری، پتفت، ۱۴۰۰: ۶۱).

بخش دوم اصطلاح که ابهام دارد، اصطلاح «عامه» در ترکیب «حقوق عامه» است که مشخص نیست مصادیق آن کدامند و اینکه حقوق عامه به کدام دسته از حقوق اطلاق می‌شود. در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بحث خاصی در خصوص مفهوم احیای حقوق عامه و به طور کلی، بند ۲ اصل ۱۵۱ صورت نگرفته است. در تبیین مفهومی حقوق عامه ادبیات حقوقی چندان مشخصی وجود ندارد و از طرفی قرائن قانونی نیز در تبیین آن بسیار کم و مبهم است؛ از اینرو آنچه می ماند؛ برداشت علمی و رویه‌ای از حقوق عامه است.



دکتر جعفری لنگرودی در ترمینولوژی حقوق، حقوق عامه را معادل مشترکات عمومی (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۳۱۱) و ناظر بر حقوق و مصالح عمومی آن را در بین افراد مختلف رایج دانسته است. برخی از نویسندگان نیز حقوق عمومی را حق جامعه بر نظم و امنیت عمومی شهروندان با تعریفی مشابه اما مشخص تر دانسته اند (هادی، ۱۳۹۰: ۱۳).

نویسندگان نیز حقوق عمومی را حق جامعه بر نظم عمومی و امنیت شهروندان دانسته اند. لازم به ذکر است که در توجیه تعاریف بیان شده استدلال معتبری ارائه نشده است (تنگستانی، ۱۳۹۷: ۸۲). به نظر می رسد حقوق عمومی مفهومی است که نمی توان آن را منحصر به حقوق ملت یا حقوق بشر دانست. حقوق عمومی مفهومی است که مصادیق وسیع آن می تواند هر دو مفهوم را شامل شود. مصادیق بسیاری از حقوق عمومی در قانون اساسی برشمرده شده است. از حقوق افراد در روابط اجتماعی گرفته تا حقوق دینی، اقتصادی، قضایی، امنیتی، دفاعی، اخلاقی، تربیتی، فرهنگی و غیره، همه تحت عنوان جامع و گسترده حقوق عمومی گنجانده شده است. البته قانون اساسی فهرستی از مصادیق حقوق عامه نیست و این حقوق را می توان در زمره کلیه اسناد حقوقی معتبر در نظام حقوقی که مربوط به «عمومی» است به شمار آورد. به عبارت دیگر، قانونگذار اساسی عموم مردم است؛ حقوقی که در حوزه عمومی روابط جامعه مطرح می شود و منافع عموم مردم در آن دخیل است. همچنین حقوق عمومی را نمی توان معادل حقوق شهروندی دانست. زیرا حقوق شهروندی مفهومی است که در ادبیات حقوقی کشور ما چندان رایج نیست و ریشه در فرهنگ حقوقی غرب دارد و از این رو با تأمل در آنچه مقصود قانون اساسی بوده است، می توان دریافت که قانون اساسی چنین مفهومی از حقوق عمومی را در نظر نداشت. همچنین حقوق عامه بر اساس ماده ۱ «دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه» مصوب ۱۳۹۷/۱۱/۳ رئیس قوه قضائیه، شامل حقوقی است که در قانون اساسی، قوانین موضوعه و یا سایر مقررات لازم الاجرا ثابت است و عدم اجرا یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض، مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می دهد یا موجب فوت منفعت، یا ضرر، یا سلب امتیاز آنان می شود، از قبیل آزادی های مشروع، حقوق زیست محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری. در همین راستا، قانون اساسی به مجموعه ای از حقوق و آزادی های عمومی برای ملت ایران در اصول مختلف قانون اساسی و به ویژه در فصل سوم، تحت عنوان «حقوق ملت» اشاره کرده است. تعیین حقوق و آزادی ها برای مردم به منزله ایجاد تکلیف برای حکومت است و حکومت مکلف به ایجاد سازوکارهای لازم برای اجرا و یا تنظیم این حقوق و آزادی ها است (هادی، ۱۳۹۰: ۱۵). از همین رو، بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع را به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه برمی شمارد. بر این اساس، قوه قضائیه ضامن اجرا و احیای



این حقوق و تضمین آزادی های مشروع در جامعه است.

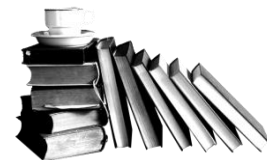
حقوق فضای مجازی

فضای مجازی بخشی از زندگی بشر معاصر است. کرونا، اهمیت و فراگیر شدن این زندگی مجازی را دو چندان کرد. خواسته شهروندان از دولت ها در این مقطع تسهیل فضای مجازی است. تضمین و تسهیل این حق از انتظارات شهروندی است. شهروندان حق دارند از مزایای توسعه و دانش مبتنی بر فضای مجازی بهره مند شوند. محدودیت دسترسی به فضای مجازی خلاف حقوق شهروندان و ناقض حقوق اساسی است. پیامدهای تصمیمات محدودکننده بر دسترسی شهروندان به فضای مجازی مضر است (یوسف زاده، ۱۳۹۹: ۴۵).

این محدودیت های خود بنیاد ذیل عنوان صیانت از فضای مجازی و واگذار کردن تصویب آن به کمیسیون فرعی در قالب اصل ۸۵ قانون اساسی، با لحاظ کاربری های متنوع شهروندان از این عرصه جهانی، بیم ها و نگرانی های جدی برای کسب و کارها و دسترسی های مردم ایجاد و شائبه نقض اصل ۲۵ قانون اساسی و نقض حریم خصوصی و اعمال تجسس را پدیدار کرد. یا باید به مردم توضیح داده شود که این برداشت اشتباه است، یا سوگیری ها را تغییر داد. مردم نباید نگران آزادی های شهروندی خود با اتکا به اصل ۲۴ قانون اساسی باشند.

حق استفاده از فضای مجازی به عنوان حقوق مکسبه افراد برای دسترسی به محتوای اطلاعات منتشر شده، در دنیای آزاد و حق ابراز عقیده و تبادل آزادانه افکار و عقاید برای مشارکت در توسعه دموکراسی تلقی می شود. امروزه نقش مؤثر و مثبت اینترنت در گسترش حقوق بشر و توسعه انسانی در سراسر جهان، غیرقابل انکار است. کارکردی که فضای مجازی در ترسیم سریع قبح محدودیت ها و عدم به رسمیت شناختن حقوق بشر، در استفاده از محیط طبیعی، حق درمان و سلامت، آزادی عقیده و ممنوعیت مشارکت بدون در نظر گرفتن رنگ، داشته است. این موهبت و فرصت نباید به عنوان تهدید تلقی شود و محدودیت های ناموجه برای آن تجویز شود (محسنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۸).

کنترل و نظارت، ابزار مشروعی است که باید به وظیفه دولت ها منجر شود که محیطی سالم برای استفاده و دسترسی بهتر شهروندان به فضاهای واقعی و مجازی تضمین کنند و نه محدودیت و به خطر انداختن آزادی های مشروع بشر که در قانون اساسی و بین المللی به رسمیت شناخته شده است. اسناد؛ لذا با تکیه بر حق همبستگی و فرصتی که فضای مجازی برای تشویق شهروندان به حفظ حقوق خود فراهم می کند، خواستار توسعه حق دسترسی به فضای مجازی و تضمین این حق هستیم (نکویی مهر، ۱۳۹۷: ۱۰).

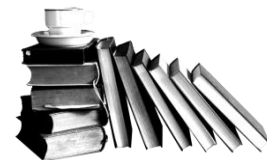


آزادی‌های مشروع فضای مجازی

نقض آزادی‌های بنیادین و محدود کردن کسب و کارهای اینترنتی، تحدید ارتباطات فرامرزی تجاری، تزلزل پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی در فضای مجازی، موضوعی نیست که کنشگران حقوق بشر و شهروندی نسبت به آن بی‌تفاوت باشند؛ بنابراین از قوه مقننه انتظار می‌رود از تصویب قوانین مغایر با حقوق شهروندی احتراز کرده و توجه کنند که وضع قانون خوب، منطبق با وجدان عمومی و بر سبیل خیر عمومی، کارویژه مجلس بوده و تحدید حق و آزادی سزاوار پارلمان، منبعت از اراده جمعی ذیل اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی نیست. این سیاق تصمیم، نقض اصل ۲۸ قانون اساسی است و لاجرم نه تنها موجب تأمین شغل نمی‌شود، بلکه باعث تعطیلی بسیاری از کسب و کارها شده و در وضعیت تحریم و کرونا، اسباب اضرار به شهروندان می‌شود. چنین تحلیل می‌شود که این اقدام نقض تعهدات بین‌المللی دولت ناظر بر حق آزادی بیان و نقض سوگند نمایندگان در تعهد به قانون اساسی و تضمین حقوق ملت شده و با توجه به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، مصداق سلب حق بوده و قابل تعقیب کیفری است. انتظار می‌رود با اتکا به نظرات کارشناسی از جمله موضع شفاف سازمان نظام صنفی رایانه‌ای که دلالت بر تصدیق نقض حقوق کاربران با اعمال این طرح دارد، از محدودسازی خدمات فضای مجازی و ایجاد اختلال در پهنای باند بسیاری از پلتفرم‌های کاربردی بین‌المللی اجتناب شود (جان پرور، ۱۳۹۰: ۱۴).

محدودیت دسترسی به فضای مجازی، خلاف حقوق شهروندان و ناقض حقوق اساسی است. پیامدهای تصمیمات محدودکننده بر دسترسی شهروندان به فضای مجازی مضر است. این محدودیت‌های خودساخته تحت عنوان حفاظت از فضای سایبری و سپردن تصویب آن به کمیسیون فرعی در قالب اصل ۸۵ قانون اساسی، با توجه به استفاده‌های مختلف شهروندان از این عرصه جهانی، نگرانی و نگرانی جدی کسب و کارها را ایجاد می‌کند. و دسترسی مردم و ظن نقض اصل ۲۵ قانون اساسی و افشای نقض حریم خصوصی و اعمال نظارتی. یا باید به مردم توضیح داده شود که این تصور اشتباه است، یا باید تعصبات را تغییر داد. مردم با استناد به اصل ۲۴ قانون اساسی نگران آزادی‌های مدنی خود نباشند (محسنی، ۱۴۰۰: ۴۱).

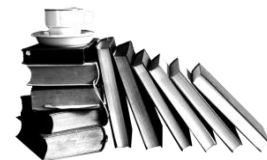
حق استفاده از فضای مجازی به عنوان حقوق مکسبه افراد برای دسترسی به محتوای اطلاعات منتشر شده در دنیای آزاد و حق ابراز عقیده و تبادل آزادانه افکار و عقاید برای مشارکت در توسعه دموکراسی تلقی می‌شود. امروزه نقش مؤثر و مثبت اینترنت در گسترش حقوق بشر و توسعه انسانی در سراسر جهان غیرقابل انکار است. کارکردی که فضای مجازی در ترسیم سریع قبح محدودیت‌ها و عدم به رسمیت شناختن حقوق بشر، در استفاده از محیط طبیعی، حق درمان



و سلامت، آزادی عقیده و ممنوعیت مشارکت، بدون در نظر گرفتن رنگ، داشته است. نژاد و زبان، غیر قابل انکار است. این موهبت و فرصت نباید به عنوان تهدید تلقی شود و محدودیت‌های ناموجه برای آن تجویز شود.

کنترل و نظارت، ابزار مشروعی است که باید به وظیفه دولت‌ها منجر شود که محیطی سالم برای استفاده و دسترسی بهتر شهروندان به فضاهای واقعی و مجازی تضمین کنند و نه محدودیت و به خطر انداختن آزادی‌های مشروع بشر که در قانون اساسی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. اسناد؛ لذا با تکیه بر حق همبستگی و فرصتی که فضای مجازی برای تشویق شهروندان به حفظ حقوق خود فراهم می‌کند، خواستار توسعه حق دسترسی به فضای مجازی و تضمین این حق هستیم. بدیهی است ساختار سانسور در صورت عدم رعایت موازین قضایی، احیای حقوق عمومی و تضمین حقوق شهروندی به نام قانون، از مصادیق سوء استفاده از قانون و در راه تخطی از قانون است. حقوق شهروندی و برخلاف اصل ۹ قانون اساسی و تعلیق یا محدود کردن حق آزادی دسترسی شهروندان، غیرقانونی تلقی می‌شود. شهروندان حق دارند در برابر قوانین ناعادلانه اعتراض کنند. حقوق اساسی بشر در دستیابی به اطلاعات و استفاده از امکانات مدرنی که دولت‌ها موظف به ارائه آنها به نام قانون و با علامت حمایت هستند، نباید با هیچ توجیهی منکر شود. مردم باید امکان و اختیار اعتراض و ابراز حق انتخاب خود را داشته باشند.

نقض آزادی‌های بنیادین و محدود کردن کسب و کارهای اینترنتی، تحدید ارتباطات فرامرزی تجاری، تزلزل پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی در فضای مجازی، موضوعی نیست که کنشگران حقوق بشر و شهروندی نسبت به آن بی‌تفاوت باشند؛ بنابراین از قوه مقننه انتظار می‌رود از تصویب قوانین مغایر با حقوق شهروندی احتراز کرده و توجه کنند که وضع قانون خوب منطبق با وجدان عمومی و بر سبیل خیر عمومی، کارویژه مجلس بوده و تحدید حق و آزادی سزاوار پارلمان منبعث از اراده جمعی ذیل اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی نیست. این سیاق تصمیم، نقض اصل ۲۸ قانون اساسی است و لاجرم نه تنها موجب تأمین شغل نمی‌شود بلکه باعث تعطیلی بسیاری از کسب و کارها شده و در وضعیت تحریم و کرونا اسباب اضرار به شهروندان می‌شود. چنین تحلیل می‌شود که این اقدام نقض تعهدات بین‌المللی دولت ناظر بر حق آزادی بیان و نقض سوگند نمایندگان در تعهد به قانون اساسی و تضمین حقوق ملت شده و با توجه به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، مصداق سلب حق بوده و قابل تعقیب کیفری است. انتظار می‌رود با اتکا به نظرات کارشناسی از جمله موضع شفاف سازمان نظام صنفی رایانه‌ای که دلالت بر تصدیق نقض حقوق کاربران با اعمال این طرح دارد، از محدودسازی خدمات فضای مجازی و ایجاد اختلال در پهنای باند بسیاری از پلتفرم‌های کاربردی بین‌المللی اجتناب شود (کارگری، ۱۳۹۹: ۱۵).



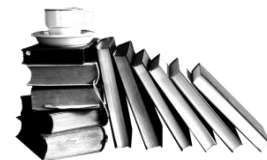
چالش‌های حقوق عامه

الف) نارسایی در قوانین:

شاید مهمترین چالش در احیای حقوق عمومی، ناکافی بودن قوانین باشد. اساساً قانونگذار توجه خاصی به این موضوع نداشته است و قواعد حقوقی مبهم و پراکنده‌ای در قوانین مربوطه وجود دارد که غالباً بر رسیدگی به دعاوی عمومی توسط دادستان نظارت می‌کند. و روند تحقق آن اعم از فرآیند تنظیمی و «احیای حقوق عامه»، قانون ویژه در تبیین امر مهم دادرسی، این موضوع را با چالش‌های فراوانی مواجه کرده است و رویه قضایی در انجام این وظیفه قانونی، بیشتر مبتنی بر موازین حقوقی حاکم بر دادرسی است. رسیدگی به دعاوی عمومی توسط دادستان صورت می‌گیرد و عملاً در این زمینه اقدامات قضایی دادستان محدود است.

در سه مرحله دیگر نیز دادستان یا دادسرا نقش اثرگذار، تعیین کننده و فعال دارد که این نقش مبتنی بر دو اصل نظارت و کنترل و در مواردی توأم با ریاست است. در بند «الف» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب، «کشف جرم» به عنوان یکی از وظایف دادسرا پیش بینی شده است. در این مرحله دادستان نظارت بر اقدامات ضابطان در جرائم مشهود را بر عهده دارد؛ بازرسی منازل و جلب اشخاص نیز در جرائم غیرمشهود با اجازه مخصوص دادستان صورت می‌پذیرد. نظارت و ریاست بر ضابطان و تعلیمات آنها در مورد کشف جرم بر عهده دادستان است که در مواد ۱۵ و ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. این مقام قضایی می‌تواند دستور انجام یا تکمیل تحقیقات مقدماتی و جمع آوری دلایل را از ضابطان بخواهد. وی در مرحله «تعقیب» به عنوان مقام تعقیب نامیده می‌شود و ریاست نهاد تعقیب بر عهده اوست. پس مهمترین نقش دادستان، تعقیب متهم یا تعقیب جرائم است، به عبارت دیگر تعقیب امر جزایی، مأموریت مخصوص و عمده دادستان است (بهمنی قاجار، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

جای بسی سؤال است که چرا تاکنون قوانین موضوعه با وجود اهمیت حقوق عامه، توجه خاصی به این مفهوم، تبیین آن و ترسیم دقیق و مشخص فرایند آن نداشته اند؟ برای نمونه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «حقوق عامه» اصلاً به کار نرفته و تنها در آیین دادرسی کیفری، مقرر شده است: «هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالاثر بی سرپرست، حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف بین موازین شرعی و یا قانونی تشخیص دهد، به طور مستدل از دیوان عالی کشور درخواست نقض حکم را می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت پذیرش تقاضا، رأی صادره را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع می‌نماید».



این مفهوم در قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی ذکر نشده است. این میزان خلاء قانونی و بی توجهی به چنین موضوع مهمی باعث شده است که این تکلیف قانونی تنها بر عهده دادستان تلقی شود، که به دلیل چنین نارسایی‌هایی در قوانین، روند مشخصی ندارد و در واقع به جای موضوع مهم در نظام حقوقی، به عنوان یک موضوع حاشیه‌ای و به صورت کلی و رویه‌ای در وظایف دادستان تعریف شده است. اگر احیای حقوق عامه را این گونه تفسیر کنیم، اولاً، دایره عام قانون اساسی را به اقدامات قضایی دادستان در امر احیای حقوق عمومی محدود کرده‌ایم. ثانیاً، روند آن را به اختصار و بسیار کلی خلاصه کرده‌ایم. ثالثاً از نظارت نهادهای دولتی و عمومی در تسهیل انجام این مهم غفلت کرده‌ایم و هر سه مورد از مشکلات اساسی است که به دلیل ناکافی بودن قوانین به وجود آمده است (تنگستانی، ۱۳۹۷: ۷۰).

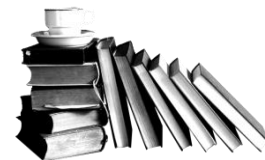
ب) بی توجهی به مقوله تفکیک نظارت و دادرسی

احیای حقوق عامه مستلزم نظارت و رسیدگی است. نظارت می تواند متعدد باشد و تداخل صلاحیت‌ها در امر نظارت اشکالی ندارد و حتی ممکن است امری بسیار پسندیده باشد. تداخل وظایف ایجاد شده بین نهادهای مختلف به این دلیل است که هر یک خود را ملزم به حفظ حقوق عامه افراد می‌دانند و از ابزار قانونی خود برای برخورد با اقدامات ناقض حقوق شهروندی استفاده می کنند. در حالی که اقدامات حقوقی سایر نهادها، در حدود اختیارات قانونی در صلاحیت آنها، موجه است و موارد تضییع حقوق عمومی که مستلزم شکایت و طی مراحل قانونی است باید از طریق تعقیب قضایی و اقدامات قانونی لازم پیگیری شود. همه نهادها باید به نحوی در امر نظارت به دادستان کمک کنند و تضییع حقوق عامه را به او اطلاع دهند. اما متأسفانه نظارت بر اقدامات افراد خیلی دقیق انجام نمی شود و حتی بیشتر آن به عهده دادستان است (تنگستانی، ۱۳۹۷: ۷۴).

با توجه به حجم عظیم تکالیف دادستانی، محول کردن این امر تنها بر دوش یک مقام آن هم با این درجه از اهمیت که منافع عمومی جامعه در آن دخیل است، عملاً موجب تضعیف تحقق خواست مقنن در بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی می شود.

حفظ حقوق عامه در فضای مجازی

حقوق مردم و اینترنت : حقوق مجموعه امتیازاتی است که قانون برای افراد قائل است و تحقق و حمایت از آن را تضمین می کند. مانند حقوق مربوط به اموال مردم یا حقوق معنوی یا حتی حقوق مربوط به شخصیت انسان. به عبارت ساده‌تر می توان گفت که مال، آبرو و ناموس، آثار فکری و هنری و حق بهره مندی از زندگی خصوصی و نیز حقوق مربوط به شخصیت انسان مانند حق نام و عکس و غیره، باید توسط قانون به رسمیت شناخته و حمایت شود. حال با



توجه به خاص بودن این فضا، بررسی حقوق مردم و نحوه تشخیص و تضمین آن بحثی جدی و جدید به نظر می‌رسد که می‌تواند تحقیقات حقوقی زیادی را در پی داشته باشد.

در این مقاله قصد داریم به طور مختصر به بررسی حقوق مردم در فضای مجازی و تضمین آن توسط قانون به زبانی ساده بپردازیم.

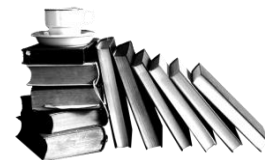
الف) حق استفاده از خدمات اینترنتی

استفاده از خدمات اینترنتی، حق تک تک افراد جامعه است و از این رو در مقررات مختلف (قانونی) در این زمینه برای کاربران پیش بینی شده است. مثلاً اگر شخصی بدون مجوز قانونی از دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی جلوگیری کند یا سایر سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را از کار بیندازد یا در عملکرد آنها اختلال ایجاد کند، مرتکب جرم شده و تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. یا مثلاً اگر ارائه دهنده خدمات اینترنتی نتواند به تعهد خود عمل کند و سرویس اینترنتی ارائه دهد، باید بلافاصله مبلغ دریافتی را به مشتری برگرداند، در غیر این صورت طبق مقررات قانونی، پیگرد قانونی دارد. مصادیق مذکور از مصادیق تضمین حقوق افراد است. در فضای مجازی است (باستانی، ۱۳۹۶: ۴۷).

ب) حفظ حریم خصوصی مردم در فضای مجازی

یکی از مهمترین حقوق افراد در فضای مجازی، حفظ حریم خصوصی آنهاست که قانونگذار به آن توجه داشته و مقررات کیفی را برای تضمین اجرای این قسمت از حقوق افراد در نظر گرفته است که در ادامه به آن اشاره می‌شود. برخی از جرایم در این زمینه:

- ۱- دسترسی غیرمجاز به داده‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مانند هک ایمیل یا حساب کاربری افراد
- ۲- مطالعه یا استراق سمع یا دسترسی غیرمجاز به داده‌های مخفی در حال انتقال در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده
- ۳- در دسترس قرار دادن اطلاعات محرمانه در حال انتقال در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده به افراد غیرمجاز
- ۴- نقض تدابیر امنیتی سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به قصد دسترسی به داده‌های محرمانه در حال انتقال در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده.
- ۵- حذف یا از بین بردن یا مختل کردن یا غیرقابل پردازش سایر داده‌ها از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های



داده بدون مجوز.

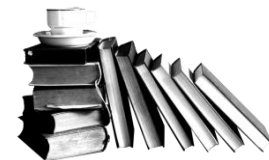
- ۶- غیرفعال کردن یا مختل کردن سیستم‌های کامپیوتری یا مخابراتی بدون مجوز مانند غیرفعال کردن پایگاه‌های اطلاعاتی وب سایت و جلوگیری از دسترسی افراد به سایت‌های شخصی .
- ۷- جلوگیری از دسترسی افراد مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی بدون مجوز.
- ۸- سرقت غیر مجاز داده‌های متعلق به دیگری.
- ۹- افتراز طریق انتشار صدا و تصویر مخدوش دیگر از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی.
- ۱۰- نشر اکاذیب از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به قصد آسیب رساندن به دیگران یا تشویش اذهان عمومی
- ۱۱- فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‌کند.
- ۱۲- آموزش نحوه ارتکاب جرائم دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلاف در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی (رحمدل، ۱۳۹۴: ۷۰).

ج) فیلترینگ و دسترسی آسان و آزاد به اطلاعات در فضای مجازی

به موجب ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، هر فرد ایرانی در چارچوب قانون حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد. به موجب بند الف از ماده ۲۲ همین قانون ممانعت از دسترسی به اطلاعات برخلاف مقررات قانونی مشمول مجازات خواهد بود و در فضای مجازی که انواع و اقسام اطلاعات در مدت زمان بسیار کوتاهی رد و بدل می‌شود باید به این قسمت از حقوق مردم توجه شود. لازم به توضیح است که این حق مانع از اجرای مقررات فیلترینگ نخواهد بود. مقررات فیلترینگ در همه کشورها به اشکال مختلف اجرا می‌شود. ناقض حریم خصوصی افراد و یا ترویج فساد و فحشا و مغایر با منافع ملی کشور، مصداق بارز حقوق افراد در فضای مجازی تلقی می‌شود. شایان ذکر است رعایت نکردن مقررات قانونی در موضوع فیلترینگ نیز به نفع مردم است، به عنوان مثال اگر وبسایتی بدون رعایت مقررات قانونی فیلتر شود، صاحب آن می‌تواند پیگیری کرده و حقوق از دست رفته خود را مطالبه کند (باستانی، ۱۳۹۶: ۱۶).

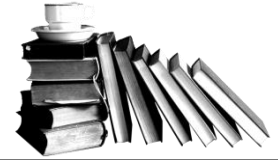
حریم خصوصی در فضای مجازی

نکته بسیار مهمی که در وضع قوانین حاکم بر فضای مجازی به چشم می‌خورد، نگاه ویژه قانونگذار به رعایت حریم خصوصی افراد در شبکه‌های مجازی است و از این رو در این قوانین مجازات‌های سنگینی برای متخلفان در این زمینه



در نظر گرفته شده است. رعایت حریم خصوصی افراد در ایران و اسلام امر جدیدی نیست. از سال‌ها قبل، البته نه در فضای مجازی، بلکه در زندگی واقعی، قوانین زیادی در این زمینه در قانون اساسی کشور وضع و اجرا شده است. به عنوان مثال، چندین تبصره و ماده در قانون اساسی مانند ۱، ۹ و ۲۲ به این حریم خصوصی در زندگی واقعی پرداخته است. اکنون با گسترش فضای مجازی نیاز به رعایت این حق شهروندی در چنین فضایی نیز احساس می‌شود و به همین دلیل قانونگذار اهمیت ویژه‌ای به آن داده است. اگر بخواهیم موارد نقض حریم خصوصی را در قوانین حاکم بر فضای مجازی تفکیک کنیم، به تعریف وسیعی از این جرایم می‌رسیم. به عنوان مثال، قوانین حاکم بر فضای سایبری، دسترسی به داده‌های رایانه‌ای افراد و دسترسی به اطلاعات خصوصی آنها برای انتشار در اینترنت را جرم می‌داند. هک سیستم‌های رایانه‌ای افراد، دستکاری اطلاعات در حال انتقال از طریق شنود یا جاسوسی رایانه‌ای، انتشار اکاذیب و شایعات در مورد افراد در فضای مجازی، افتر از طریق انتشار اطلاعات شخصی افراد، فروش یا ارائه اطلاعات شخصی افراد، جلوگیری از دسترسی افراد مجاز به داده‌های اینترنتی در غیرمجاز و بسیاری موارد دیگر، جرایم مندرج در قوانین حاکم بر فضای مجازی است که باید با مشورت وکیل پایه یک دادگستری بررسی شود. ضعف شخصیتی، نداشتن اطلاعات کافی در خصوص محیط مجازی و بی احتیاطی در حفاظت از داده‌ها، مواردی هستند که قربانی جرایم سایبری را به قربانی شدن کمک می‌کنند. افراد باید برای محافظت از حریم خصوصی خود تلاش کنند، بسیاری از افراد خصوصی‌ترین اطلاعات خود را در سیستم‌های رایانه‌ای یا حامل‌های داده، مانند درایوهای فلش، کارت‌های حافظه، تلفن‌های همراه و سی دی‌ها، بدون رعایت مسائل امنیتی ذخیره می‌کنند. دست نوعی مجرم سایبری را در تعرض به حریم خصوصی باز می‌گذارند و به این ترتیب استعداد قربانی شدن را در فضای مجازی نشان می‌دهند. جنبه دیگر موضوع همانطور که ارائه شد مربوط به ناقضان حریم خصوصی در فضای مجازی است. این مجرمان وقتی وارد فضای مجازی یا اینترنت می‌شوند آن را ملک مطلق خود می‌دانند و به خود اجازه هرگونه فعالیت و ورود به حریم خصوصی دیگران را می‌دهند. در زیر نمونه‌هایی از نقض حریم خصوصی فضای مجازی که در قانون جرایم رایانه‌ای جرم انگاری شده است را مشاهده می‌کنید: (کوشکی، ۱۳۸۶: ۴۵)

- دسترسی غیرمجاز به داده‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نظیر هک ایمیل یا اکانت اشخاص
- شنود غیرمجاز محتوای در حال انتقال در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نظیر استفاده از نرم افزارهای شنود چت‌های اینترنتی.
- دسترسی غیرمجاز به داده‌های سرّی در حال انتقال در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا تحصیل



و شنود آن.

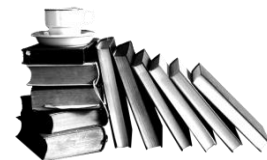
- در دسترس قرار دادن داده‌های سرّی در حال انتقال در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده برای اشخاص فاقد صلاحیت.
- نقض تدابیر امنیتی سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به قصد دسترسی به داده‌های سرّی در حال انتقال در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده.
- حذف یا تخریب یا مختل یا غیر قابل پردازش نمودن داده‌های دیگری از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده به طور غیرمجاز.
- از کار انداختن یا مختل نمودن سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به طور غیرمجاز نظیر غیرفعال سازی دیتابیس تارنها و ممانعت از دسترسی اشخاص به پایگاه‌های اینترنتی شخصی.
- ممانعت از دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به طور غیرمجاز.
- ربودن داده‌های متعلق به دیگری به طور غیرمجاز.
- هتک حیثیت از طریق انتشار یافتن صوت و فیلم تحریف شده دیگری به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی.
- نشر اکاذیب از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی.
- فروش یا انتشار یافتن یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده ناقضان حریم خصوصی در فضای مجازی به دلایلی نظیر افسردگی، عصبانیت، حسادت، انتقام جویی، حس تنفر، تفریح و سرگرمی، خودکم بینی و حقارت، حس رقابت و عدم توجه به اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه، خود را مجاز به ورود به حریم خصوصی قربانیان دانسته و خسارات جبران ناپذیری را به حیثیت و مال و حتی جان اشخاص وارد می سازند (عالی پور، ۱۳۹۰: ۲۰).



نتیجه گیری

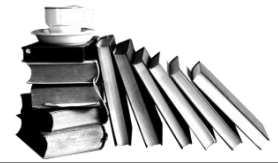
تبیین مفهوم احیای حقوق عمومی و تعیین روند اجرای آن توسط قانونگذار در قالب قانون بسیار مهم است. اینکه دولت در اجرای تکلیف مندرج در بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی چه فرآیندها و روش‌هایی را باید به کار گیرد و چه سازوکار خاصی برای آن پیش بینی کند، مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین بستر فضای مجازی امکان ناشناخته ماندن، آنلاین بودن و انحصار در تامین فضای مجازی را فراهم می‌کند و این خود زمینه را برای چالش‌هایی برای نقض حریم خصوصی افراد در فضای مجازی فراهم می‌کند. دولت‌ها را می‌توان ناقض اصلی حریم خصوصی در محیط فضای مجازی دانست. دلیل این موضوع در اتفاقاتی است که دولت‌های مختلف به این نتیجه رسیدند که در دوگانگی حریم خصوصی و امنیت جانب امنیت را بگیرند. دولت‌ها به روش‌های مختلف سعی در رصد فضای سایبری دارند و با توجیه برقراری امنیت حریم سایبری مردم را زیر پا می‌گذارند. علاوه بر این، افرادی در قالب شرکت‌های ارائه دهنده خدمات و کسب درآمد و هکرها ممکن است در حریم خصوصی افراد در فضای مجازی دخالت کنند. همه این موارد و ویژگی‌ها تعیین کننده گستره و ویژگی‌ها و مفهوم حریم خصوصی در فضای مجازی و تفاوت آن با فضای فیزیکی است.

بر این اساس فضای مجازی به یکی از موضوعاتی تبدیل شده که امور روزمره مردم را در بر می‌گیرد و وارد عرصه وسیعی از امور آنها شده است. بنابراین، به رسمیت شناختن آن به عنوان یک حق در قوانین مختلف و جلوگیری از تعرض دیگران به آن یکی از مهم ترین چالش‌های امنیتی خواهد بود. بنابراین بررسی این طیف از حقوق نه تنها ضروری است، بلکه یکی از مصادیق مهم موانع دسترسی شهروندان و مردم به این حق است. حاکمیت‌های مختلف از جمله طرح حفاظتی و سایر قوانین مرتبط، موانع دسترسی و راه حل‌های غلبه بر این چالش‌ها را بررسی می‌کنند.



منابع و مآخذ

- افشاری، فاطمه؛ پتفت، آرین (۱۴۰۰). موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن. فصلنامه دانش حقوق عمومی. شماره ۳: ۱۱۱-۱۱۹
- انصاری، باقر (۱۳۹۹). حقوق حریم خصوصی. تهران: انتشارات سمت
- باستانی، برومند (۱۳۹۶). جرایم کامپیوتری و اینترنتی، جلوه‌ای نوین از بزه‌کاری. تهران: انتشارات بهنامی.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۹۶). دادرسی عادلانه بر پایه قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۲۳۹، صص ۱۲۲-۱۳۳
- تنگستانی، محمدقاسم؛ مرادی برلیان، مهدی و مهرآرام، پرهام (۱۳۹۷). گفتارهایی در باب نهاد دادستانی و احیای حقوق عامه. تهران: نشر مطبوعات قوه قضائیه.
- جان پرور، محسن؛ حیدری موصولو، طهمورث. (۱۳۹۰). آسیب شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. سال ۴، شماره ۲، صص ۷-۲۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۴). حق انسان بر حریم خصوصی. مجله حقوق و علوم سیاسی شماره ۱۰، صص ۱-۱۵.
- عالی پور، حسن (۱۳۹۰). حقوق کیفری فناوری اطلاعات (جرایم رایانه‌ای). تهران: انتشارات خرسندی.
- فتحی، یونس؛ شاهمرادی، خیراله (۱۳۹۶). گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۹۹. صص ۱۷-۲۷
- کارگری، ابراهیم (۱۳۹۹). حق دسترسی به اینترنت و ارتباط آن با حقوق بشر و حقوق شهروندی. کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت. روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی. شیروان.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۶). حمایت از حریم خصوصی در مکان خصوصی در مقررات دادرسی کیفری ایران. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۵۸. صص ۱۷-۲۶.
- محسنی، وجیهه؛ هاشمی، محمد؛ جاوید، محمد جواد؛ عباسی، بیژن (۱۴۰۰)، تحلیل و نسبت سنجی حقوقی تضمین حقوق شهروندی با فیلترینگ. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. دوره ۲۶. شماره ۹۴. صص ۲۰-۲۹
- محسنی، فرید؛ قاسم زاده، فریدون (۱۳۹۱). حریم شخصی در فضای مجازی با تکیه بر حقوق ایران. فصلنامه علمی و پژوهشی شریف. شماره ۳۴. صص ۱۵-۲۹.
- نکویی مهر، نفیسه؛ حسینی فرد، عاطفه (۱۳۹۷). حفظ حقوق شهروند مجازی در راستای منشور حقوق شهروندی. پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی). دوره ۹. شماره ۱. صص ۱۱۵-۱۲۹
- هادی، دادیار (۱۳۹۰). نقش دادستان در حفظ حقوق عامه و چالش‌های قانونی و اجرایی آن. نشریه دانشگاه تهران. شماره ۱۳. صص ۱۰۵-۱۳۰
- یوسف زاده عینی، سمیرا (۱۳۹۹). حقوق شهروندی در رسانه و فضای مجازی. سومین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره. شیروان



Revival of public rights in the legitimate freedoms of cyber space

Abstract

The Internet has played an important role in securing the right to freedom of expression and by removing the restrictions on publishing, searching and receiving information, it has provided the basis for the use of this fundamental right. There is no doubt that the development and expansion of the Internet, as well as the benefit of this new communication tool, requires a codified and coherent legal system. The legal system in question should be able to ensure the freedom of this new media, prevent possible abuse of freedom of expression and assure people that their access and use of internet media will be cheap, safe and stable. This research has been done with descriptive and analytical method and by using various library sources and texts and legal documents. As a result, monitoring in nature brings transparency and can protect public rights in the future. However, due to the plans known as the protection plan or the new resolution of the parliament that the Supreme Council of Cyberspace is outside the scope of the administrative procedure, this council has been given full authority, so there is no accountability for the violation of the right to cyberspace for the public. The legal authority should not give it, in which case the authority of this council and the supervision of this space will be expanded to an unlimited extent, which will be a gross violation of public rights.

Keywords: public rights, legitimate freedoms, virtual space, internet media.